

دوازدهمین کنگره ملی سراسری فناوریهای نوین در حوزه توسعه پایدار ایران

12th National Congress of
the New Technologies in Sustainable Development of Iran

senacnf.ir

استراتژیهای سازمانی برای توسعه پایدار

امید بهمیاری^۱، فاطمه بهفر^۲

^۱ بوشهر omid.bahmyari@alumni.um.ac.ir

^۲ دانشگاه الزهراء، بوشهر Fatemeh.behfar@esudiants.urv.cat

چکیده

در طول نزدیک به سی سال گذشته مسائل زیست محیطی در دستور کار صنعت و دانشگاه قرار گرفته است. هرچند تمرکز این مجموعه از پژوهش ها بر روی پایداری زیست محیطی بوده است اما در اواخر دهه ۱۹۹۰ دامنه این حوزه تحقیقاتی به موضوعات پایداری اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی گسترش یافته است. در این مقاله درباره ظهور استراتژی های سازمانی برای توسعه پایدار و پیامدهای این استراتژی ها برای نظریات و روش های مدیریت بحث می کنیم. درباره مسائل زیست محیطی و پیامدهای آن برای استراتژی بحث خواهیم کرد و پیامدهای نظری و عملی وارد کردن مسائل زیست محیطی و اجتماعی در استراتژی های سازمانی را به طور خلاصه توضیح می دهیم. همچنین درباره پژوهش خود در این حوزه و نحوه ارتباط آن با سایر پژوهش ها صحبت خواهیم کرد.

واژه های کلیدی

توسعه پایدار، استراتژی زیست محیطی سازمانی، مدیریت استراتژیک

دوازدهمین کنگره ملی سراسری فناوریهای نوین در حوزه توسعه پایدار ایران

12th National Congress of
the New Technologies in Sustainable Development of Iran

senacnf.ir

۱. مقدمه

در چند دهه گذشته شاهد افزایش آگاهی دولت ها، سیاست گذاران، گروه های هواداری، بنگاه های تجاری و مردم سراسر دنیا درباره مسائل زیست محیطی بوده ایم. بیش از صد سال توسعه صنعتی معیبهی داشته است: گرمایش جهانی، فرسایش لایه اوزن، آلودگی آب و هوا، فرسایش خاک، و جنگل زدایی به عنوان مشکلات زیست محیطی شناخته شده اند که نیازمند راهکارهای فوری هستند. به نظر می رسد این روند صعودی نشانگر تغییر محیط بیرونی سیستم های بازار است: افزایش فشارهای مقرراتی و نگرانی زیست محیطی عمومی به این معنا است که بنگاه های تجاری توجه بیشتری به تأثیر زیست محیطی محصولات، فرایندها و خدمات خود داشته اند. در سال های اخیر مقالات مربوط به مسائل زیست محیطی رشد تقریباً انفجاری در نشریات مدیریت داشته اند. نشریات معروفی نظیر *Academy of Management Review* (1995)، *Academy of Management Journal* (2000) و *Long Range Planning* (1992) ویژه نامه هایی با تمرکز بر کسب و کار و محیط زیست و سازمان های دارای پایداری اکولوژیکی منتشر کرده اند. نشریات «زیست محیطی» جدید نظیر *Business Strategy and the Environment*، *Total Quality Management*، *Organization & Environment* نیز آغاز به کار کرده اند.

هرچند تمرکز این مجموعه از پژوهش ها بر روی پایداری زیست محیطی بوده است اما دامنه این حوزه تحقیقاتی به پایداری اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی نیز گسترش یافته است. به طور سنتی، بنگاه های تجاری عمدتاً از دیدگاه اقتصادی در نظر گرفته شده اند: مسئولیت این بنگاه بیشترین اهمیت را برای سهامداران و کارکنان آن دارد.

در سال های اخیر، با به وجود آمدن رویکرد «سود و زیان سه گانه» (روشی که تأثیر اجتماعی و زیست محیطی کسب و کار را نیز در نظر می گیرد) تلاش هایی برای گسترش تمرکز محدود بر سود و زیان اقتصادی انجام شده است (الکینگتون، ۱۹۹۹). موضوع اصلی این روش مفهوم پایداری است، مفهومی بسیار معروف و گاهی بحث برانگیز که از توسعه پایدار مشتق شده است. در این مقاله درباره ظهور استراتژی های سازمانی برای توسعه پایدار و پیامدهای آن برای نظریات و روش های مدیریت بحث می کنیم. درباره ظهور مسائل زیست محیطی و پیامد این مسائل برای استراتژی بحث خواهیم کرد و به طور خلاصه پیامدهای نظری و عملی وارد کردن مسائل زیست محیطی و اجتماعی را در استراتژی های سازمانی توضیح خواهیم داد. همچنین درباره اثر خود و نحوه ارتباط آن با سایر پژوهش ها صحبت می کنیم.

۲. پایداری و استراتژی سازمانی

هرچند در حال حاضر بیش از ۱۰۰ تعریف از توسعه پایدار وجود دارد اما پر استفاده ترین تعریف، تعریفی است که در گزارش براندتلند در کمیسیون جهانی توسعه اقتصادی (۱۹۸۷) در سال ۱۹۸۷ ارائه شده است. بنا بر این تعریف توسعه پایدار «فرایند تغییری است که در آن بهره برداری از منابع، جهت دهی به سرمایه گذاری ها، سوگیری توسعه تکنولوژیکی، و تغییر نهادی متناسب با نیازهای آتی و نیز فعلی انجام می شود» (WCED، ۱۹۸۷، ص ۹). توسعه پایدار علاوه بر تلاش برای تلفیق رشد اقتصادی با نگهداری از محیط زیست بر روی عدالت اجتماعی و توسعه انسانی و نیز توزیع عادلانه و استفاده از منابع در چارچوب برابری اجتماعی نیز تمرکز دارد. این رویکرد فرض می کند که حصول اطمینان از پایداری اقتصادی یک کسب و کار به تنهایی کافی نیست: برای تحقق اهداف پایداری، پایداری زیست محیطی و اجتماعی نیز باید در نظر گرفته شود. پژوهش های اندکی در این حوزه انجام شده است اما طبق شواهد سازمان های مختلف جهانی، بین المللی، داخلی، منطقه ای و محلی که به بررسی تأثیر اجتماعی و زیست محیطی فعالیت اقتصادی می پردازند اهمیت آن در حال افزایش است.

در سطح سازمانی، تمرکز پژوهش حاضر بر سازمان هایی است که به لحاظ اکولوژیکی پایدار هستند (گلاوین، کنلی و کروس، ۱۹۹۵؛ استاریک و رندز، ۱۹۹۵؛ شریواستاوا، ۱۹۹۵). پژوهشگران با هدف ترکیب مسائل زیست محیطی، مدل های کنونی استراتژی سازمانی را اصلاح کرده اند و معتقدند بنگاه هایی که نسبت به مسائل زیست محیطی پیشگیرانه تر عمل می کنند در بلندمدت پایداری را خواهند بود

دوازدهمین کنگره ملی سراسری فناوریهای نوین در حوزه توسعه پایدار ایران

12th National Congress of
the New Technologies in Sustainable Development of Iran

senaconf.ir

(جنینگز و زاندرگن، ۱۹۹۵). تمرکز پژوهش‌ها بر روی تکنیک‌های خاصی است که سازمان‌ها می‌توانند برای ترکیب مسائل زیست‌محیطی نظیر مدیریت کیفیت جامع زیست‌محیطی، تحلیل چرخه عمر، نظارت بر محصول، سازگاری زیست‌محیطی و مدیریت ریسک زیست-محیطی از آن‌ها استفاده کنند (اشمیدینی، ۱۹۹۲؛ شریواستاوا، ۱۹۹۵). اخیراً دامنه پژوهش‌ها از پایداری اکولوژیکی به پایداری اجتماعی و اقتصادی گسترش یافته است. برای نمونه، داوجونز به تازگی پس از بررسی جامعی بر روی ۵۰۰ شرکت برتر فورچون «شاخص گروه پایداری» را ارائه کرده است. شرکت پایدار به عنوان شرکتی تعریف می‌شود «که هدف آن افزایش ارزش بلندمدت برای سهامدار از طریق ترکیب فرصت‌های رشد اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی با استراتژی‌های سازمانی و تجاری آن است» (شاخص پایداری داوجونز، ۲۰۰۰). هرچند این مفهوم اهمیت ابعاد زیست‌محیطی و اجتماعی عملکرد شرکت را در نظر می‌گیرد اما در نظر گرفتن این دغدغه‌ها به عنوان یکی از مسائل استراتژیک «فرصت‌های رشد» حائز اهمیت است. هرچند تمرکز پایداری سازمانی به طور کامل بر روی حفظ ارزش بلندمدت برای سهامدار است اما فرض اصلی این است که برای تحقق این امر ترکیب مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی تا حدی ضروری است. نحوه ترکیب این ابعاد و نحوه ارزیابی عملکرد زیست‌محیطی همچنان سوالی چالش برانگیز و بی‌پاسخ است. شواهد تجربی محدود (که عمدتاً مبتنی بر مطالعات موردی هستند) نشان می‌دهد که شرکت‌های تجاری مسائل پایداری (خصوصاً مسائل مرتبط با محیط-زیست) را به عنوان فرصت‌ها و ریسک‌ها در نظر می‌گیرند که بر اساس میزان کاهش مسئولیت زیست‌محیطی و منافع اقتصادی قابل دریافت ارزیابی می‌شوند (بانرجی، ۱۹۹۸ الف، ۲۰۰۱ ب؛ جنینگز و زاندرگن، ۱۹۹۵؛ پورتر و فن در لینده، ۱۹۹۵؛ شریواستاوا، ۱۹۹۵).

تلاش در جهت وارد کردن پایداری در نظریات سازمانی دو حوزه پژوهشی اصلی را به وجود آورده است. در حوزه پایداری زیست‌محیطی، تمرکز بحث‌های نظری بر روی نتایج عملی در نظر گرفتن تحولات محیط بیوفیزیکی در پارادایم‌های سنتی اقتصادی و مدیریتی است. پژوهشگران معتقدند که در نظر گرفتن محیط بیوفیزیکی به رفع سوگیری انسان‌محوری در نظریات سازمان و بحث درباره ظهور پارادایم‌های جایگزین نظیر «پارادایم محیط‌زیست‌محور» (پورسر، پارک و مونتوری، ۱۹۹۵) و «پارادایم پایداری‌محور» کمک خواهد کرد (گلاوین و همکاران، ۱۹۹۵؛ استاریک و رندز، ۱۹۹۵). مفروضات مختلف مبنای این پارادایم‌ها با مفروضات موجود در پارادایم اقتصادی نئوکلاسیک تفاوت دارد. برای مثال، پارادایم محیط‌زیست‌محور می‌پذیرد که رشد و ظرفیت تحمل با محدودیت‌هایی مواجه است و نسبت به نقش تکنولوژی در حل مشکلات زیست‌محیطی مردد است (گلاوین و همکاران، ۱۹۹۵) در حالی که تفسیر محض پارادایم نئوکلاسیک نشان دهنده فرضیه رشد نامحدود است و تکنولوژی را به عنوان عاملی بیرونی در نظام اقتصادی در نظر می‌گیرد که به طور بالقوه می‌تواند تمام مشکلات زیست‌محیطی را حل کند (جاکوبز، ۱۹۹۴).

هرچند رابطه بین انسان‌ها و محیط طبیعی در رشته‌های مختلفی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و اقتصاد بررسی شده است اما نظریه‌پردازی در مورد استراتژی‌های سازمانی برای پایداری همچنان در مرحله جنینی خود قرار دارد. در نظریات سازمان‌ها و محیط طبیعی جریان هنجاری و اخلاقی قدرتمندی وجود دارد و دستورالعمل‌های مختلفی وجود دارد درباره این که سازمان‌ها برای حفظ محیط‌زیست چه کاری باید انجام بدهند. مانند نظریه ذینفعان، برخی از جنبه‌های محیط‌زیست‌گرایی سازمانی یک هدف هنجاری بنیادی دارند که در آن حفظ محیط‌زیست به عنوان «کار درست» تلقی می‌شود. هرچند برخی از پژوهشگران معتقدند که پارادایم سنتی مدیریت دچار نقص است و نمی‌تواند مشکلات ناشی از تخریب زیست‌محیطی را رفع کند (گلاوین و همکاران، ۱۹۹۵؛ شریواستاوا، ۱۹۹۵)، اما برخی دیگر از آن‌ها معتقدند که برای انعکاس ارزش‌های زیست‌محیطی می‌توان رفتار مدیریتی را در پارادایم کنونی تغییر داد (هانا، ۱۹۹۵).

برای مثال، محیط‌زیست‌گرایی معمولاً به دسته‌های تکنولوژی‌محوری و محیط‌زیست‌محوری تقسیم شده است (اورپوردان، ۱۹۸۱). این دو پارادایم مفروضات کاملاً متفاوتی نسبت به ارزش طبیعت، اعتقاد به تکنولوژی، حدود ظرفیت تحمل و شدت مشکلات زیست‌محیطی دارند (گلاوین و همکاران، ۱۹۹۵). ریشه جنبش‌های متنوعی نظیر اکولوژی عمیق، اکوفمینیسم و پیروان گایا در محیط‌زیست‌محوری است جایی که در آن انسان‌ها یک محل طبیعی بکر را اشغال نمی‌کنند (بر خلاف پارادایم تکنولوژی‌محور) و خود طبیعت ارزش‌هایی ذاتی دارد که مستقل از ارزش‌های انسانی است. پارادایم تکنولوژی‌محور مردم‌گراتر است زیرا بشر را مجزا از طبیعت و بالاتر از آن در نظر می‌گیرد. برخی از پژوهشگران معتقدند که نه پارادایم تکنولوژی‌محور و نه پارادایم محیط‌زیست‌محور چارچوب نظری مفیدی برای استراتژی‌های سازمانی پایداری فراهم نمی‌کنند: به نظر می‌رسد پارادایم تکنولوژی‌محور در برابر مشکلات زیست‌محیطی ناتوان است و نمی‌تواند ریسک-

دوازدهمین کنگره ملی سراسری فناوریهای نوین در حوزه توسعه پایدار ایران

12th National Congress of
the New Technologies in Sustainable Development of Iran

senaconf.ir

های زیست‌محیطی را در نظر بگیرد در حالی که پارادایم محیط‌زیست‌محور برای سازمان‌های مدرن بسیار آرمانگرایانه و غیر عملی است (گلاوین و همکاران، ۱۹۹۵). هدف پارادایم پایداری ایجاد دیدگاهی ترکیبی است.

گلاوین و همکاران (۱۹۹۵) در تحلیل محتوا بر روی تعاریف مختلف توسعه پایدار تم‌های مختلفی از جمله توسعه انسانی، جامعیت (نظام‌های اکولوژیکی، اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی و اجتماعی)، پیوند (اهداف اجتماعی-سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی)، برابری (توزیع عادلانه منابع و حقوق مالکیت)، احتیاط (اجتناب از برگشت‌ناپذیری و شناسایی ظرفیت تحمل)، و امنیت (دستیابی به امنیت، سلامتی و کیفیت زندگی بالا) را شناسایی کردند. اما با وجود اهداف وسیع آن، به نظر نمی‌رسد که آنچه حفظ می‌شود مورد بحث باشد زیرا طبق گفته هارت (۱۹۹۷، ص ۶۷)، مشکل «ایجاد یک اقتصاد جهانی پایدار است: اقتصادی که در آن زمین می‌تواند تا ابد پایدار بماند». بنابراین مشکل پیدا کردن تکنولوژی‌های جدید و گسترش نقش بازار در تخصیص منابع زیست‌محیطی است با این فرض که قیمت‌گذاری بر روی محیط طبیعی تنها راه برای محافظت از آن است.

برای نمونه، پیرس، مارکاندیا و باربیر (۱۹۸۹) بر «ثبات سهام سرمایه طبیعی» به عنوان شرط لازم برای پایداری تأکید می‌کنند. طبق نظر پیرس و همکاران (۱۹۸۹) تغییرات سهم منابع طبیعی باید «غیر منفی» باشد و سرمایه ایجاد شده به دست انسان (محصولات و خدماتی که از طریق اقتصاد و حسابداری سنتی اندازه‌گیری می‌شوند) نباید به قیمت استفاده از سرمایه طبیعی (شامل منابع طبیعی تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر) ایجاد شوند. بنابراین رشد یا ثروت باید بدون مصرف منابع ایجاد شود. این که دقیقاً چه قدر این امر محقق می‌شود همچنان نامشخص است. اکثر منابع توسعه پایدار از نوع «نوگرایی محیطی» هستند و روش‌های عملیاتی کردن تعریف براندتلند را بررسی می‌کنند.

مک ناتن و اوری (۱۹۹۸، ص ۲) در تحلیلی بر روی جامعه‌شناسی طبیعت بیان می‌کنند که گفتمان کنونی درباره طبیعت و محیط‌زیست به جای تأکید بر این که «فعالیت‌های اجتماعی خاص (به خصوص در منازل مردم) است که باعث تولید، بازتولید و تبدیل طبیعت‌های مختلف و ارزش‌های متفاوت می‌شود» فرض می‌کند که یک «طبیعت» واحد وجود دارد. آن‌ها مخالفت خود را با سه «دکترین» موجود در دیدگاه‌های موجود درباره محیط‌زیست شامل واقع‌گرایی زیست‌محیطی، آرمان‌گرایی زیست‌محیطی و ابزارگرایی زیست‌محیطی بیان می‌کنند.

واقع‌گرایی زیست‌محیطی به معنای تبدیل طبیعت به یک «محیط قابل پژوهش علمی» است که در آن علوم نوین غربی می‌توانند به شناسایی مشکلات زیست‌محیطی و ارائه راهکارهای مناسب بپردازند. فعالیت‌های زیست‌محیطی اجتماعی و فرهنگی تحت تأثیر واقعیات تحقیقات علمی هستند. مک ناتن و اوری (۱۹۹۸) با توصیف فرایندهای فرهنگی موجود در طبیعی‌سازی طبیعت با این دیدگاه عجیب مخالفت می‌کنند. آن‌ها توضیح می‌دهند که محیط‌زیست چگونه از طریق فرایندهای اجتماعی و فرهنگی خاص نظیر فعالیت دانشجویی و جنبش‌های ضد فرهنگی دهه ۱۹۶۰ وارد گفتمان اجتماعی شده است. آرمان‌گرایی زیست‌محیطی با بررسی طیف «ارزش‌های» مورد نظر افراد درباره طبیعت به تحلیل طبیعت می‌پردازد؛ فرض بر این است که این ارزش‌های زیست‌محیطی ثابت و پایدار هستند. مک ناتن و اوری (۱۹۹۸) مفهوم بررسی ارزش‌های زیست‌محیطی بدون زمینه‌سازی آرایش‌های زمانی و فضایی زندگی افراد را رد می‌کنند. به اعتقاد آن‌ها ارزش‌گذاری فردی بر روی طبیعت مبهم، متناقض و وابسته به محیط است. ابزارگرایی زیست‌محیطی به معنای واکنش افراد و گروه‌ها به مشکلات زیست‌محیطی است که با ارزیابی منافع فردی یا جمعی در برابر بده‌بستان‌های زیست‌محیطی از طریق تحلیل هزینه-فایده یا سایر مکانیزم‌های مبتنی بر بازار مشخص می‌شود. در اینجا فرض بر این است که فرد برای هزینه‌ها و منافع رفتارهای مختلف اهمیت قائل شود و پس از ارائه واقعیات متوجه شود که به نفع آن‌ها است که نسبت به محیط‌زیست مسئولانه رفتار کنند و باور داشته باشند که دولت‌ها و موسسات دولتی نیز در جهت حفظ محیط‌زیست فعالیت خواهند کرد. پژوهش مک ناتن و اوری (۱۹۹۸) درباره مصرف‌کنندگان بریتانیایی چندان این فرضیه را تأیید نمی‌کند و به نظر می‌رسد تعداد کمی از پاسخ‌دهندگان چنین احساسی نسبت به نهادها و سطوح بالای اعتماد به موسسات دولتی دارند.

مسائل زیست‌محیطی پیامدهای استراتژیک نیز برای سازمان در بر دارد و حوزه پژوهشی دیگر درباره سازمان‌ها و پایداری به بررسی پیامدهای استراتژیک مسائل زیست‌محیطی برای سازمان‌ها می‌پردازد. این حوزه ظهور استراتژی‌های مدیریت زیست‌محیطی نظیر

دوازدهمین کنگره ملی سراسری فناوریهای نوین در حوزه توسعه پایدار ایران

12th National Congress of
the New Technologies in Sustainable Development of Iran

senacnf.ir

جلوگیری از آلودگی، ذخیره سازی و بازیافت انرژی را بررسی می کند و بر مزیت رقابتی ناشی از ادغام مسائل زیست محیطی در استراتژی سازمانی تمرکز می کند (بانرجی، ۱۹۹۸ الف؛ کایرنکراس، ۱۹۹۲؛ جنینگز و زاندرگن، ۱۹۹۵؛ پورتر و فن در لینه، ۱۹۹۵). برای مثال، شریواستاوا (۱۹۹۵) توضیح می دهد که چگونه می توان مسائل زیست محیطی را برای تدوین استراتژی های رقابتی کاهش هزینه، تمایز محصول و بازاریابی جاویژه به کار گرفت. ذخیره سازی انرژی، صرفه جویی در انرژی و بازیافت آن می تواند منابع مزیت رقابتی را با کاهش هزینه ها فراهم کند. از محصولات و بسته بندی «سازگار با محیط زیست» می توان به عنوان استراتژی های تمایز محصول استفاده کرد و از طریق آموزش زیست محیطی می توان بازارهای جاویژه مصرف کنندگان نگران محیط زیست را ایجاد کرد و توسعه داد.

۳. یافته های پژوهش

تمرکز اکثر پژوهش های من بر روی پایداری زیست محیطی با استفاده از روش های کیفی و کمی بوده است. در این پژوهش ها پایداری زیست محیطی را در سطوح مختلف فردی، سازمانی و سیاست گذاری بررسی کرده ام. در سطح فردی، نگرش های مدیریتی نسبت به مسائل زیست محیطی را بررسی کرده ام (بانرجی، ۲۰۰۱ الف)، مدل مشارکت مصرف کننده در مسائل زیست محیطی را طراحی کردم (بلوچ و بانرجی، ۲۰۰۱) و مقیاسی برای ارزیابی دغدغه فردی زیست محیطی ایجاد کردم (بانرجی و مک کیچ، ۱۹۹۴). مبنای این پژوهش سازه های روان شناختی و جامعه شناختی درباره طبیعت و محیط زیست است و انگیزه های فردی پشت دغدغه های زیست محیطی را بررسی می کند. این پژوهش مجموعه ای از فرضیات را ارائه و به صورت تجربی بررسی می کند که به توصیف رابطه بین نگرش ها و رفتارهای زیست محیطی می پردازند.

در حوزه رفتار سازمانی چند فرضیه نظری درباره محیط زیست گرایی سازمانی و پیش نیازهای آن مطرح کرده ام و برخی از آن ها را به صورت تجربی تأیید کرده ام. با استفاده از ترکیب مصاحبه های عمیق و مطالعات موردی به بررسی این موضوع پرداخته ام که سازمان ها چگونه نگرانی های زیست محیطی را در فرایند برنامه ریزی استراتژیک خود لحاظ می کنند (بانرجی، ۱۹۹۹؛ برون، بانرجی، فولاپ و لینستید، ۱۹۹۹)، برداشت های مدیریتی درباره محیط زیست گرایی سازمانی را توضیح داده ام (بانرجی، ۲۰۰۱ ب)، چارچوب محیط زیست گرایی سازمانی و پیش نیازهای آن را طراحی کرده ام (بانرجی، ۲۰۰۰ ج) و فرایند یادگیری سازمانی موجود در فرایند ادغام مسائل زیست محیطی را بررسی کرده ام (بانرجی، ۱۹۹۸ الف). سپس بر اساس این پژوهش، معیار پایا و معتبری برای محیط زیست گرایی سازمانی ایجاد و به صورت تجربی تست کردم (بانرجی، ۲۰۰۲)، طیف رفتارهای زیست محیطی سازمان ها در صنایع مختلف را توضیح دادم (بانرجی، ۲۰۰۱ ج) و مدل محیط زیست گرایی سازمانی و پیش نیازهای آن را ارائه و به صورت تجربی تست کردم (بانرجی، آیر و کاشیپ، در حال چاپ).

علاوه بر این، درباره پیامدهای سیاست گذاری عمومی درباره محیط زیست گرایی و توسعه پایدار بحث کرده ام (بانرجی، ۱۹۹۶ الف؛ بانرجی، ۱۹۹۶ ب)؛ نقش مقررات و استانداردهای زیست محیطی جهانی را بررسی کرده ام (بانرجی، ۲۰۰۰ ج)؛ تبلیغات زیست محیطی را توضیح داده ام و تحلیل کرده ام (بانرجی، گولاس و آیر، ۱۹۹۵؛ آیر و بانرجی، ۱۹۹۳؛ آیر، بانرجی و گولاس، ۱۹۹۴)؛ درباره نقش ذینفعان و شهروندی سازمانی صحبت کرده ام (بانرجی، ۲۰۰۰ الف؛ بانرجی، ۲۰۰۱ د)؛ بانرجی در حال چاپ، ب)؛ نقدهایی درباره توسعه پایدار ارائه کرده ام (بانرجی، در حال چاپ، الف؛ بانرجی در حال چاپ، ج)؛ و درباره آثار زیست محیطی و اجتماعی جهانی شدن بحث کرده ام (بانرجی، ۱۹۹۵؛ بانرجی، ۱۹۹۸ ب؛ بانرجی و لینستید، ۲۰۰۱).

پژوهش من تحت تأثیر سه اصل است. اول این که رویکرد من چندرشته ای است. اقتصاد نئوکلاسیک پارادایم غالبی است که بر اکثر پژوهش های مربوط به ارتباط سازمان و محیط زیست تأثیر می گذارد. پژوهش من از دیدگاه های جامعه شناسی، علوم زیست محیطی، علوم سیاسی، اکولوژی بومی و مطالعات فرهنگی برای ارائه توصیفی دقیق تر از روابط پیچیده بین سازمان ها و محیط طبیعی استفاده می کند. دوم این که رویکرد پژوهش من انتقادی است. استراتژی زیست محیطی سازمانی معمولاً فقط بر اساس معیارهای اقتصادی تدوین می شود و پژوهش من مفروضات اصلی این چارچوب را به نقد می کشد و در عین حال تلاش می کند تا با ترکیب اطلاعات حاصل از رشته های مختلف دامنه آن را گسترش بدهد. من به طور فعال در پیشبرد این رویکرد پژوهشی در بین گروه ذینفعان مطالعات انتقادی مدیریت در آکادمی مدیریت مشارکت دارم. سوم این که دامنه پژوهش من بین المللی است. مشکلات زیست محیطی مشکلاتی جهانی هستند که به

دوازدهمین کنگره ملی سراسری فناوریهای نوین در حوزه توسعه پایدار ایران

12th National Congress of
the New Technologies in Sustainable Development of Iran

senacnf.ir

اقدامات جهانی و محلی نیاز دارند و پژوهش من مسائل زیست محیطی را در محیطهای مختلفی نظیر استرالیا، آسیا، آمریکا و اروپا بررسی کرده است.

در ادامه برخی از یافتههای مهم پژوهشهای خود را توضیح دادم:

- در هنگام طراحی ابزاری برای ارزیابی دغدغههای فردی درباره محیطزیست (بانرجی و مک کیج، ۱۹۹۴؛ بانرجی، ۲۰۰۱ الف) دریافتم که دغدغه زیست محیطی متغیری دوبعدی است که از دغدغه درونی (سطح دغدغه ذاتی فرد در مورد محیطزیست از نظر اهمیت مشکل، ارتباط فردی آن، علاقه به مسائل زیست محیطی، نگرانی درباره آلودگی محیطزیست، احساس ارتباط با طبیعت، و اهمیت دادن به محیطزیست) و دغدغه بیرونی (که عمدتاً با مسائل بیرونی نظیر منافع محصولات مصرفی در مقایسه با آلودگی، تأثیر مقررات زیست محیطی بر صنعت، و مبادلات اقتصادی سر و کار دارد) تشکیل می شود. دغدغه زیست محیطی به روشهای مختلفی تعریف شده است و پژوهشگران تلاش کردهاند تا نگرشها، ارزشها و رفتارهای مرتبط با دغدغههای زیست محیطی و تصمیم گیری اخلاقی زیست محیطی را اندازه گیری کنند (آلبرشت، بولتنا، هویبرگ و ناک، ۱۹۸۲؛ آرکوری، ۱۹۹۰؛ دانلوپ و فن لیر، ۱۹۷۸؛ فلانری و می، ۲۰۰۰؛ وینتر، ۲۰۰۰). بسته به مشخص بودن تعریف متغیر، دغدغه زیست محیطی تک بعدی یا چند بعدی می شود.
- همبستگی بین دغدغه زیست محیطی درونی و رفتار زیست محیطی به مراتب بالاتر از همبستگی بین دغدغه زیست محیطی بیرونی و رفتار زیست محیطی بود. مقیاس دغدغه زیست محیطی فردی در سه نمونه مختلف بررسی شد: مدیرانی که در صنایع مختلف فعالیت می کردند (مدیران صنعت)، مدیرانی که به طور مشخص در کسب و کارهای انتفاعی حفظ محیطزیست فعالیت می کردند (مدیران تکنولوژیهای زیست محیطی) و مدیران سازمانهای غیر انتفاعی زیست محیطی (مدیران سازمان زیست محیطی یا EO). هرچند این مطالعه تفاوت معناداری در دغدغه زیست محیطی بین نمونههای صنعت و تکنولوژیهای زیست محیطی نشان نداد اما مدیران سازمانهای زیست محیطی نمرات به مراتب بالاتری در مورد دغدغه زیست محیطی و نیز همبستگی بالاتری بین نگرش و رفتار داشتند (بانرجی، ۲۰۰۱ الف).
- در بررسی این موضوع که سازمانها چگونه می آموزند مسائل زیست محیطی را در فرایند برنامه ریزی استراتژیک خود وارد کنند دو رویکرد نسبت به یادگیری زیست محیطی شناسایی شد. تمرکز فرایند یادگیری تک حلقه ای بر محیطزیست کوتاه مدت بود و محدود به مطابقت با قوانین زیست محیطی، حمایت از مسائل زیست محیطی و آموزش زیست محیطی محدود برای کارکنان بود. روش دو حلقه ای به ترکیب دغدغههای زیست محیطی در سطح سازمانی (به جای سطح واحدی) منجر می شود و دیدگاه استراتژیک بلندمدتی نسبت به محیطزیست دارد، سرمایه گذاری بیشتری در حفظ محیطزیست، آموزش جامع زیست محیطی و برنامه های آموزش مشتریان، تأمین کنندگان و کارکنان انجام می دهد و به توسعه محصولات جدید «سازگار با محیطزیست» منجر می شود (بانرجی، ۱۹۹۸ الف).

دوازدهمین کنگره ملی سراسری فناوریهای نوین در حوزه توسعه پایدار ایران

12th National Congress of
the New Technologies in Sustainable Development of Iran

senaconf.ir

- در مطالعه‌ای برای بررسی برداشت‌های مدیریتی درباره محیط‌زیست‌گرایی سازمانی دو تم شناسایی شد. پاسخ‌های گرایش زیست‌محیطی سازمانی بر ارزش‌های درونی شرکت، استانداردهای رفتار اخلاقی، تعهد به حفظ محیط‌زیست، مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی، برداشت ذینفعان بیرونی، لزوم تحقق منافع ذینفعان و نیاز به توسعه پایدار تمرکز داشتند. تمرکز استراتژی زیست‌محیطی میزان ترکیب مسائل زیست‌محیطی بود. بسته به محیط صنعت و مشخصات سازمانی، می‌توان مسائل زیست‌محیطی را در سطح سازمانی، تجاری یا واحدی ترکیب کرد که پیامدهای متفاوتی برای شرکت در بر دارد (بانرجی، ۲۰۰۱).
- به نظر می‌رسد سطح ترکیب مسائل زیست‌محیطی با استراتژی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله مقررات، نیاز به مزیت رقابتی، دغدغه عمومی، تعهد مدیریت ارشد و تمرکز بلندمدت است (بانرجی، ۱۹۹۸؛ الف؛ بانرجی، ۱۹۹۹؛ بانرجی، ۲۰۰۱).

۴. انتقادات درباره رویکردهای سازمانی نسبت به پایداری

بخش اعظم منابع مربوط به استراتژی‌های سازمانی برای پایداری بر روی شرایط «برد-برد» تمرکز داشته‌اند که در آن «شرایط مناسب برای محیط‌زیست برای شرکت نیز مناسب است». اقدامات زیست‌محیطی در چارچوب افزایش بهره‌وری، صرفه‌جویی در هزینه و حذف نقایص قرار گرفته‌اند که همگی جزء پارامترهای بهبود کیفیت هستند. این که چه اتفاقی برای مسائل زیست‌محیطی رخ می‌دهد که این معیارها محقق نمی‌شود همچنان نامشخص است. به عبارت دیگر، وقتی که شرایط مناسب برای محیط‌زیست برای شرکت مناسب نیست چه اتفاق رخ می‌دهد؟ طبق گفته والی و وایتهد (۱۹۹۴) چالش‌های زیست‌محیطی پیش روی صنعت بسیار پیچیده هستند و همواره به شرایط برد-برد منجر نمی‌شوند و لزوماً همیشه برای مشتریان ارزش‌آفرین نیستند. فرایندهای تصمیم‌گیری در این شرایط چالش برانگیز نیازمند توجه در پژوهش‌های بعدی است.

نیوتن و هارت (۱۹۹۷) در انتقادی شدید نسبت به منابع «محیط‌زیست» بیان می‌کنند که اکثر پژوهش‌های این حوزه «مورد حمایت نطق‌های تبلیغ انجیلی و مبتنی بر این فرضیه است که سازمان‌ها به طور داوطلبانه سازگاری بیشتری با محیط‌زیست پیدا می‌کنند (ص ۷۵). نیوتن و هارت (۱۹۹۷) کارایی «تبلیغات مذهبی مطابق با محیط‌زیست» را زیر سوال می‌برند و خواستار رویکردی انتقادی به محیط‌زیست‌گرایی می‌شوند. منتقدان دیدگاه‌های افراطی و اصلاحی محیط‌زیست‌گرا نسبت به مفاهیم «سرمایه‌داری سازگار با محیط‌زیست»، «سرمایه‌داری طبیعی» یا «مصرف‌گرایی سازگار با محیط‌زیست» بدبین هستند و معتقدند که مفروضات بنیادی محیط‌زیست‌گرایی و توسعه اقتصادی متناقض هستند و نمی‌توان آن‌ها را از طریق نظریه‌پردازی فی‌البداهه زیست‌محیطی رفع کرد. از این نظر با نیوتن و هارت (۱۹۹۷) موافق هستم زیرا آن‌ها نشان می‌دهند که روش سازگار کردن سازمان با محیط‌زیست، داوطلبی نیست و نقش تشکل‌های بیرونی مانند نهادهای قانونی و سازمان‌های زیست‌محیطی تضمین‌کننده توجهات بیشتر به این موضوع است. مقررات می‌توانند نوآوری زیست‌محیطی را نیز در بنگاه‌ها تشویق کنند که به کسب بهره‌وری و مزیت رقابتی منجر می‌شود (پورتر و فن در لینده، ۱۹۹۵). مشکل صنایع و سیاست‌گذارانی که می‌خواهند سازگاری با محیط‌زیست را پیش‌برند تعیین اقداماتی است که می‌تواند استراتژی‌های زیست‌محیطی را به سطوح بالاتر تصمیم‌گیری استراتژیک برساند.

به لحاظ نظری مفهوم توسعه پایدار به نوعی دچار سردرگمی است. علاوه بر این تعریف واحد، روشن و مورد قبول همه درباره محیط‌زیست‌گرایی وجود ندارد. طبق نظر مکافی (۱۹۹۹، ص ۱۳۳) «بر خلاف پیشفرض پارادایم اقتصادی جهانی هیچ معیار عمومی برای مقایسه و تبادل ارزش‌های واقعی طبیعت میان گروه‌های مختلف افراد از فرهنگ‌های مختلف و با قدرت سیاسی و اقتصادی متفاوت وجود ندارد.» بنابراین سیاست‌های «جهانی» توسعه پایدار می‌تواند مشکلاتی برای کشورهای در حال توسعه یا جوامع بومی ایجاد کند که ارزش‌گذاری آن‌ها درباره طبیعت و وابستگی آن‌ها به آن به لحاظ کیفی متفاوت با مشتریان ثروتمند جهان اول است.

دوازدهمین کنگره ملی سراسری فناوریهای نوین در حوزه توسعه پایدار ایران

12th National Congress of
the New Technologies in Sustainable Development of Iran

senaconf.ir

۵. مسیر پژوهش های آتی

پایداری مسئله‌ای پیچیده است و همچنان کارهای نظری و تجربی زیادی باید درباره آن انجام شود. درباره سه حوزه نوظهور پژوهشی بحث خواهیم کرد که این جهت‌گیری را تضمین می‌کنند. حوزه اول پایداری اجتماعی است. پایداری اجتماعی یکی از به اصطلاح سه اصل سازمان‌های پایدار است و تحت تأثیر مفاهیم برابری و عدالت توزیعی در تعریف براندتلند درباره توسعه پایدار قرار دارد. هرچند مفاهیم پایداری زیست‌محیطی توسعه یافته و عملیاتی شده است اما پایداری اجتماعی از نظر تعریف آن و نقش سازمان‌های تجاری همچنان مسئله‌ای بحث برانگیز است. شرکت‌ها، دولت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و سایر سازمان‌ها چگونه پایداری اجتماعی را تعریف می‌کنند؟ برای ارزیابی پایداری اجتماعی از چه شاخص‌هایی استفاده می‌شود؟ مسائل اجتماعی قرار است چگونه در تصمیم‌گیری سازمانی وارد شود؟ دوم این که فعالیت‌های پایداری باید در محیط‌های صنعتی مختلف بررسی شود. تمرکز بخش عمده پژوهش‌های فعلی بر نمود پایداری در سازمان‌ها است. این کار را می‌توان از طریق مجموعه‌ای از رفتارها نشان داد که بنگاه‌ها بروز می‌دهند: ورود به بازارهای جدید تکنولوژی-های سازگار با محیط‌زیست، جدا شدن از صنایع دارای تأثیر زیست‌محیطی بالا، سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های پاک‌تر، کارهای خیریه سازمانی، اتحاد با سازمان‌های اجتماعی، انجام ممیزی‌های منظم اجتماعی و زیست‌محیطی و الی آخر. هرچند این حوزه‌ها مسلماً گسترده هستند اما برای ایجاد یک رویکرد سود و زیان سه‌گانه نسبت به پایداری (که در آن بنگاه تجاری بر اساس عملکرد آن در مورد پارامترهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی ارزیابی می‌شود و به آن پاداش داده می‌شود) باید آن‌ها را ترکیب کرد. این که این پارامترها چیست و چگونه باید آن‌ها را اندازه‌گیری کرد یکی از حوزه‌های چالش برانگیز برای پژوهش‌های آتی است. ارتباط بین نمایش پایداری و نتایج رفتاری پایداری یکی از موضوعات جالب و حوزه‌ای برای پژوهش‌های آتی است. سوم این که نقش ذینفعان در مسیر پایداری باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. پژوهش‌های مربوط به سازمان‌ها و ذینفعان آن‌ها بیش از چهار سال است که در حوزه وسیع‌تر مسئولیت اجتماعی شرکت در حال انجام است. نظریه ذینفعان معمولاً به عنوان یک مدل هنجاری قدرتمند و نیز مدلی توصیفی یا ابزاری با پیامدهایی برای عملکرد بنگاه معرفی می‌شود. اگر پایداری مستلزم ترکیب مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی با استراتژی‌های سازمانی باشد آنگاه تدوین یک نظریه قدرتمند درباره سازمان‌ها و ذینفعان آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. ذینفعان متفاوتی که سازمان‌ها برای تحقق اهداف پایداری باید با آن‌ها ارتباط داشته باشند چه کسانی هستند؟ ماهیت روابط سازمان و ذینفع در زمینه پایداری چگونه است؟ چه نوع رابطه‌ای در پیشبرد پایداری موثرتر است؟ تدوین نظریات معتبر و روش‌های اثربخش پایداری اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی چالشی اساسی در حوزه رفتار سازمانی ایجاد می‌کند و امید می‌رود که پژوهش‌های آتی برخی از حوزه‌های ذکر شده در بالا را کمی شفاف‌تر کنند.

دوازدهمین کنگره ملی سراسری
فناوریهای نوین در حوزه توسعه پایدار ایران
12th National Congress of
the New Technologies in Sustainable Development of Iran

senaconf.ir

منابع

- [1] Academy of Management Journal 2000, 'Special research forum: The management of organizations in the Natural Environment', vol. 43, no. 4.
- [2] Academy of Management Review 1995, 'Special issue on ecologically sustainable organizations', vol. 20, no. 4.
- [3] Albrecht, D.E., Bultena, G., Hoiberg, E. & Nowak, P. 1982, 'The new environmental paradigmscale', Journal of Environmental Education, vol. 13, pp. 39-43.
- [4] Arcury, T.A. 1990, 'Environmental attitude and environmental knowledge', Human Organization, vol. 49, no. 4, pp. 300-4.
- [5] Banerjee, S.B. 2001a, 'Managerial environmental attitudes and corporate environmentalism: A preliminary investigation', Journal of Environmental Education, vol. 32, no. 4, pp. 49-50.
- [6] Browne, M., Banerjee, S.B., Fulop, L. & Linstead, S. 1999, 'Managing strategically', in Management—A Critical Text, eds L. Fulop & S. Linstead, Macmillan, London
- [7] Cairncross, F. 1992, Costing the Earth: The Challenge for Governments, the Opportunities for Business, Harvard Business School Press, Boston, MA.
- [8] Dow Jones Sustainability Index 2000, <http://www.dowjones.com/djsgi/index/concept.html> Accessed September 25, 2002.
- [9] Porter, M.E. & van der Linde, C. 1995, 'Green and competitive: Ending the stalemate', Harvard Business Review, vol. 73, no. 5, pp. 120-34.
- [10] Purser, R.E., Park, C., & Montuori, A. 1995, 'Limits to anthropocentrism: Toward an ecocentric organization paradigm?' Academy of Management Review, vol. 20, pp. 1053-89.
- [11] Shrivastava, P. 1995, 'The role of corporations in achieving ecological sustainability', Academy of Management Review, vol. 20, pp. 936-60.
- [12] Walley, N. & Whitehead, B. 1994, 'It's not easy being green', Harvard Business Review, vol. 72, no. 3, pp. 36-44.
- [13] Winter, D.D. 2000, 'Some big ideas for some big problems', American Psychologist, vol. 55, no. 5, pp. 516-22.
- [14] World Commission for Economic Development. 1987, Our Common Future, Oxford University Press, New York.